تفاوت بیان آیت‌الله شبیری و بیان مختار در شهادت خمسون

شاگرد: تفاوت فرمایش آیت‌الله زنجانی با فرمایش شما چه شد؟

استاد: فرمایش ایشان این است که اگر هوا صاف است، ما متعبد هستیم که دون پنجاه نفر نمی‌شود. من عرض می‌کنم چون مقصود، معلوم است؛ با شواهد داخلی و خارجی‌ای که از خود روایت داریم، حتی اگر هوا صاف باشد، وقتی دو عادل شهادت دادند، مظنه این اختلاف نباشد و کل بلد روزه بگیرند، کافی است. از روایت به مجموع ادله، تنقیح مناط کردیم که مناط این است که بلد اسلام با هم روزه بگیرند و مظنه اختلاف نباشد. اگر با شهادت بینه، مظنه اختلاف بود، باید اختلاف رفع شود. خب با عدد پنجاه به‌عنوان یک عددی که قانونش را شارع گذاشته که مقابل حرف شارع دیگر حرف نزن؛ یعنی وقتی چهل و نه هم شد، باز مدعی هست که می‌گوید اینها اشتباه کرده‌اند؛ وقتی امام می‌فرمایند «خمسون»، یعنی از ناحیه شارع یک عددی برای رفع اختلاف می‌آید، نه به این عنوان که من عاشق یقین هستم. خود شارع عددی را اعمال می‌کند و می‌گویی‌م می‌خواهی مقابل حرف امام حرف بزنی؟! یعنی اختلاف‌اندازنده در جامعه محکوم می‌شود، نه به‌خاطر تعبد به عدد پنجاه، بلکه به‌خاطر این‌که عدد پنجاه از ناحیه شارع، این قدرت را دارد که مخالف دیگر نتواند حرف بزند.

شاگرد: مثل بُرشی که عدد پانزده سال در سن بلوغ دارد.

استاد: بله، برای این‌که دیگر حرف نزنند، شارع این کار را کرده است. بنابراین تعبد به این معنا نیست. بلکه ما می‌دانیم که می‌خواهد اختلاف نباشد. وقتی هم که ابر شد، مظنه این‌که اختلاف کنند و خودشان را تخطئه کنند نیست. لذا وقتی دو شاهد از بیرون می‌آیند، می‌گویی‌م دو شاهد شهادت دادند؛ لذا طبق ضابطه کلی عالم اسلام عمل کنید.

شاگرد: اگر هوا صاف بود و چهل نفر دیدند و مظنه اختلاف نبود، باز حجت است.

استاد: حتی دو نفر هم باشند؛ حتی دو نفر عادل در هوای صاف شهادت بدهند؛ ای دیگران نرفتند و ای رفتند ولی آن دو نفر زدن حاکم شرع مردود الشهاده نشدند، نمی‌توانیم بگوییم این حاکم خلاف شرع، حکم کرده است. سید گفتند «علمنا خطأ مستندهم». روی این بیانی که من عرض کردم اگر یک حاکم شرعی نسبت به شهادت دو عادل فتوا داد، درحالی‌که مخالف هم دارد، نمی‌توانیم بگوییم خلاف شرع فتوا داده است. چون حاکم با شهادت دو عادل، دارد نظم را برقرار می‌کند. یعنی خود حکم حاکم به ضمیمه شهادتی که زدن او داده‌اند، دارد نظم را برقرار می‌کند. همه مسلمین تابع حاکم هستند به حکمی که مستندش شهادت بینه است. بینه‌ای که به ضمیمه حکم حاکم، نظم را برقرار می‌کند، چرا حجت نباشد؟! این استظهار خیلی تفاوت می‌کند تا این‌که بگوییم مقصود

شارع حال یقین است که ننامده است. ولذا متن عروه عروه «الشیاع المفید للعلم» نبود؛ بلکه «الشیاع المفید لرفع النزاع» است. شیاعی است که میبینیم بلد السلام همه با هم حاضر هستند روزه را بگیرند.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #1
ایجاد شده 16 مه 2026 14:07:44 توسط ... .
به روزرسانی شده 16 مه 2026 14:08:27 توسط ... .